



رویدادهای سال ۲۰۰۲ و آینده

کمیته هماهنگی جنبش دانشجویی برای دموکراسی در ایران، صمیمانه ترین شادباشهای خود را بمناسبت حلول سال نو میلادی به ملت آزاده و دول صلحدوست و مردمسالار جهان ابراز مینماید و با آرزوی پیروزی ائتلاف جهانی علیه مبارزه با تروریسم و همچنین استقرار نظامی دموکراتیک و عرفی در ایران در سال ۲۰۰۳، دیدگاههای خود را در رابطه با رویدادهای سالی که گذشت اعلام مینماید.

از سال ۲۰۰۲ میلادی که اینک آنرا پشت سر گذاشتیم میبایستی بعنوان نقطه عطف مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران با حکومت بنیادگرایان مذهبی نام برد. سالی که گذشت علیرغم نعره های مستانه حزب الله، کامیابیهای چشمگیری نصیب ملت ایران گردید و مبارزان راه آزادی بخوبی توانستند ترندهای این غاصبان حکومت را نقش بر آب نمایند و بار دیگر شکست و رسوائی را به اردوگاه حزب الله ارزانی دارند. گرچه برای این موفقیت ها مردم ایران هزینه های سنگینی پرداخت نمودند.

جمهوری اسلامی با استفاده از تمایلات کاسبکارانه دول اتحادیه اروپا و با پیشکش نمودن باجهای کلان اقتصادی، توانست شکافی در آراء این دول در کمیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ایجاد نموده و بدینترتیب این کمیون نسبت به تصویب قطعنامه ای در ارتباط با نقض حقوق بشر در ایران ناتوان ماند و ماموریت نماینده ویژه سازمان ملل متحد برای نظارت بر عملکردهای بنیادگرایان مذهبی تمدید نگردید. در سایه این چشم پوشی باورنکردنی مدعیان مدافعان حقوق بشر و با حذف سازوکارهای نظارت در ایران، اردوگاه حزب الله سرمست از پیروزی بدست آمده، به آرایشی تهاجمی هم در عرصه داخلی و هم در عرصه های منطقه ای و بین المللی دست زد.

در عرصه داخلی بنیادگرایان مذهبی با بهره گیری از بیدادگاههای اسلامی، تحجرگرائی و مجازاتهایی اسلامی به شیوه های طالبانی و حتی فراتر از آن را در هزاره سوم میلادی بنمایش گزارادند. دادگاههای رژیم بی هیچ پروا و واهمه ای مجازاتهایی اعدام آنها بصورت دسته جمعی، سنگسار و شلاق زنی در ملاء عام را از سر گرفتند و حتی بربریت و وحشیگری و قساوت را به آنجا رساندند که احکامی نظیر از حدقه در آوردن چشم و یا قطع همزمان دست و پا هم صادر و بمرحله اجرا درآمد. در يك مورد صدور حکم برای پرت کردن محکوم از بالای صخره به پائین هم گزارش گردید.

گروههای باصطلاح خودسر تحرك بیشتری یافتند و با همکاری نیروهای انتظامی تعداد آدم ربائیها و بازداشتهای غیرمسئولانه و شکنجه اسیران خود، دوباره رو به افزایش نهاد. در بسیاری از موارد هفته ها هیچ نهادی محل بازداشت و عوامل بازداشت کننده را نمیشناخت و جالب آنکه بعد از افشای محل اختفا و عاملین آن، دولت قانونمدار هیچ اقدامی برای خاتمه دادن به این بی قانونیها انجام نمیداد.

نمونه شناخته شده آن که در رسانه های جهانی هم بازتاب یافت روزنامه نگار پیری بود که در خیابان ربوده شد و بعد از مدت‌ها بیخبری با وضعیتی ناتوان و رنجور، سر از بازداشتگاهی غیر قانونی در آورد و بعداً به جرم‌هایی واهی به ۱۱ سال زندان محکوم گردید. در سالی که گذشت هنوز تعدادی از دانشجویان که از قیام شکوهمند ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در زندان بسر می‌برند کماکان در سیاهچالهای رژیم هستند و تعداد زیادی هم به آنها اضافه گردید.

در این سال نیز روزنامه‌ها و مجلاتی بدستور مراجع سانسور، حق انتشار خود را از دست دادند و کتابهایی که پس از چاپ اجازه انتشار نیافتند و به خمیرکاغذ تبدیل گردیدند. در راستای تبادل آزادانه اطلاعات نظیر اینترنت هم محدودیت‌های جدیدی وضع گردید و بسیاری از کافه‌نت‌ها به تعطیلی کشانده شدند. خبرهای موثقی از کوشش رژیم برای نظارت و کنترل جریان اطلاعات در سرورها و سایتهای داخلی گزارش شده است.

در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، جمهوری اسلامی کماکان بعنوان حامیان گروه‌های تروریستی بی‌هیچ پرده پوشی انجام وظیفه نموده و علاوه بر برگزاری همایشهای تروریستها در تهران، نسبت به ارسال اسلحه و مهمات به آنان، هم از راه‌های آبی و هم راه‌های هوایی مجدانه اقدام نموده است. حمایت بیدریغ از گروه تروریستی حماس و اخلال در روند صلح خاورمیانه از ویژه گیهای جمهوری اسلامی بشمار می‌آید. سخنان تحریک‌آمیز سردمداران رژیم مبنی بر تواناییهای موشکی و همچنین کوشش ملایان برای دستیابی به سلاحهای اتمی، تهدید جدی برای بخطر افتادن ثبات منطقه و جهان میباشد.

در برابر کوتاهی‌های جوامع بین‌المللی برای واکنشهای مناسب نسبت به جنایاتی که توسط رژیم حاکم در ایران بطور سیستماتیک و روزمره صورت می‌گیرد و همچنین علیرغم مذاکرات کاسبکارانه اتحادیه اروپا و کوشش این اتحادیه برای بسط و توسعه روابط تجاری و اقتصادی با حکومتی که مشروعیت خود را سالهاست در برابر ملت خود از دست داده و حکومتی که یکی از سه محور شر در دنیا نامیده شده، ملت مبارز و آزادیخواه ایران اعم از دانشجویان، کارگران، معلمان و سایر اقشار اجتماعی از هر فرصتی و از هر روزنه‌ای برای رهائی از چنگال ملایان سود میجوید.

در سالی که گذشت معلمان این پدران و مادران معنوی ما، در تظاهراتی آرام و مسالمت‌آمیز خواستار بهبود اوضاع معیشتی خود شدند که با یورش نیروهای سرکوب و ضرب و شتم آنان متأسفانه دوتن از معلمان در اثر شدت جراحات وارده در بیمارستان فوت نمودند. این رفتار غیرانسانی حکومت مذهبی درست در مقطعی صورت گرفت که دبیرکل سازمان ملل متحد در تهران و در چند ده متری محل تظاهرات به تمجید از دموکراسی و مردمسالاری دینی مشغول بودند.

در سالی که گذشت سالروز قیام ۱۸ تیر به حماسه‌ای از یکپارچگی ملی و نمایشی بزرگ از توانمندی نافرمانی مدنی نیروی سوم بدل گردید. وزارت کشور دولت اصلاح‌طلبان در راستای همراهی با بنیادگرایان از صدور اجازه برای راهپیمایی دانشجویان و این کمیته‌سرباز زد و در عوض نیروهای ویژه خود را که به وسائل مدرن سرکوب مجهز بودند برای ارباب جوانان چند روزی پیشتر به خیابانهای پایتخت روانه نمود. با وجود این تمهیدات، حضور دهها هزار پیر، جوان، زن و مرد در خیابانهای پایتخت و شهرستانهای ایران که فریاد می‌زدند ”رفراندم رفراندم اینست شعار مردم“ پیام روشن و شفاف مردم ایران را به گوشهای شنوایی در ایران و جهان رساند.

در سالی که گذشت رئیس‌جمهور امریکا در يك پیام شجاعانه، حمایت کاخ سفید را از مبارزات حق طلبانه مردم ایران اعلام نمود. نامه‌های سرگشاده یاران دیروز حکومت، به رهبر جمهوری اسلامی و

تشریح علل نابسامانیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نشانه گرفتن راس هرم و زیرمجموعه آن بعنوان علت العلل نابسامانیها، نقش بسزائی در روشننگری عامه مردم ایفا نمود. ثروتهای بادآورده سران جمهوری اسلامی و آقازاده های آنها در کنار فقر و بیخانمانی هزاران کودک خیابانی در کشوری که تا پیش از ملایان مازاد اندوخته های ارزی داشت، هر اندیشمندی را با واقعیات دردناک الگوی جهانی حکومت مستضعفان آشنا مینماید.

در سالی که گذشت خروش و خیزش دانشجویان در ارتباط با صدور حکم اعدام برای استادی دگراندیش و نوگرای مذهبی، که به مطالباتی فراتر از لغو حکم اعدام تسری یافت، تمام معادلات سیاسی را بهم ریخت و رهبران جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی نمود. طی سه هفته، که تظاهرات دانشجویان با سالگرد قتل دوتن از چهره های شناخته شده اپوزیسیون داخل کشور در جریان قتلهای زنجیره ای همراه گردید و سپس با فرارسیدن روز دانشجو به اوج رسید نشان داد که جنبش دانشجویی با وجود ترفندهای ملایان برای به انفعال کشاندن این جنبش، از پویائی لازم برخوردار میباشد و با تجاری که کسب نموده است می رود تا به موتور محرکه جنبش رهائی بخش مردم ایران بدل گردد. شعارهای دانشجویان و دیگر اقدار جامعه در این تظاهرات نشان داد که نه بنیادگرایان مذهبی و نه اصلاح طلبان حکومتی، هیچکدام مقبولیتی در بین مردم ندارند و مردم خواهان برگزاری رفراندوم برای تعیین نوع نظام دموکراتیک آینده ایران میباشند. طی همین تظاهرات بود که رهبر جمهوری اسلامی امریت خود را بر گروهی از اوپاش کشور که به "لباس شخصی ها" معروفند، افشا نمود. این گروه فراقانونی، تا کنون تعداد زیادی از راهپیمایان بیدفاع را در برابر چشم نیروهای انتظامی و اغلب با حمایت آنان، با ضرب و شتم های شدید مجروح، معلول و یا بقتل رسانده اند و دولت اصلاحات هم توانائی برخورد با آنان را نداشته است.

اینک با گر امیداشت یاد تمامی جانبختگان راه آزادی میهن، و با آرزوی آزادی تمامی زندانیان با نام و بی نام سیاسی و دگراندیش، که در سیاهچالهای مفتشین عقاید، تا پای جان در برابر حاکمان زور و زر ایستادگی مینمایند، همراه با فریاد ملت ایران برای انجام یک رفراندوم بمنظور تعیین نوع نظام آینده و بالاخره استقرار نظامی مردمسالار و عرفی سال جدید میلادی را آغاز مینمائیم.

مردم ایران با گسترش هر چه بیشتر کمی و کیفی نافرمانی مدنی خواهند کوشید تا این رژیم در حال احتضار و شکننده را فلج نمایند و برای مبارزه مسالمت آمیز و دموکراتیک خود علیه رژیم سرکوبگر و غیرانسانی اسلامی بیش از هر زمان دیگر به پشتیبانی جامعه بین المللی نیازمند میباشد. مردم ایران هم حق و هم شایستگی آنرا دارند که همانند هر ملت آزاده دیگر جهان، در نظامی دموکراتیک از زندگانی آسوده و مرفه برخوردار بوده و با روابطی سالم و متقابل در کلیه زمینه های بین المللی با سایر ملل جهان شرکت نمایند.

کمیته هماهنگی جنبش دانشجویی برای دموکراسی در ایران از همه ملل متمدن و آزاده جهان میخواهد که در ساقط نمودن این رژیم بنیادگرا و تروریست پرور، در کنار مبارزات ملت ایران قرار گیرند و با وارد نمودن فشارهای سیاسی واقعی و حمایت از خواسته های ملت ایران، این لکه ننگ تاریخ بشریت را از صحنه سیاسی جهان دور نمایند.

زنده باد آزادی برقرار باد نظام عرفی

نهم دیماه ۱۳۸۱

کمیته هماهنگی جنبش دانشجویی برای دموکراسی در ایران